

گمراهتر از شیطان

عده‌ای از مردم هستند که در کفر ورزی و شرک، پست فطرتی و بی‌وجدانی از شیطان پست‌تر و گمراه‌ترند. در قیامت هم از نظر عذاب و شکنجه در بدترین وضعی قرار دارند که خود شیطان هم از زیادی عذاب و شکنجه و بدبختی آنها تعجب می‌کند!

سلیم بن قیس از سلمان فارسی نقل می‌کند که گفت: وقتی روز قیامت آهر کسی به جزای اعمال خود برسد - ابلیس لعین را در حالی که با افساری از آتش مهار کرده - و گرداگرد او را گرفته‌اند - به عرصه محشر می‌آورند.

از طرف دیگر، شخص گمراهی را هم که در دنیا از شیطان اطاعت کرده، و باری از گناهان را بر دوش او بار کرده و با دو افسر، از افسران آتشین، دهنه بسته و مهار کرده‌اند، کشان کشان به صحرای عرصات می‌آورند. وقتی ابلیس او را می‌بیند به سوی می‌رود و نعره‌ای می‌کشد و به او می‌گوید: ای شخص (بدسیرت)! مادر به عزایت بگرید. تو کیستی و چه کاره‌ای - که عذاب و سختی تو از من بیشتر است؟ - من که اولین و آخرین مردم را گمراه و گرفتار نموده‌ام. با یک افسار مهار شده‌ام، ولی می‌بینم تو را با دو افسار در بند و زنجیر کشیده‌اند.

در جواب می‌گوید: من آن کسی هستم که حرف تو را شنید و از تو اطاعت کردم. کسی هستم که تو، به من دستور می‌دادی خدای خود را نافرمانی کنم - و من همین کار را کردم. او به من امر می‌کرد که او را بندگی و عبادت کنم - ولی من از روی لجاجت و شقاوت و فرمان برداری از تو - سرپیچی می‌کردم. (۴۴)

آری، این‌ها کسانی هستند که حرف پیامبران و اولیا و ائمه معصوم علیهم‌السلام و قرآن را زیر پا گذاشته و به دستور آن ملعون بودند. پس باید جزای کردار خویش را ببینند به طوری که خود شیطان هم در شگفت باشد.

لشکر شیطان

مسلم است که هیچ پادشاهی و سلطان و امیری نمی تواند به تنهایی وبدون سپاه و لشکر، کشورش را اداره کند و احتیاج به نیرو دارد، هر چه لشکرش بیشتر و مجهزتر باشد قدرت آن کشور هم افزایش می یابد. عمده همت یک سلطان، آماده کردن لشکر منظم و مرتب است. شیطان هم از این برنامه بیرون نیست و احتیاجی به نیرو و لشکر دارد. وی با آن، کار خود را شروع می کند. سپاه و نیروی شیطان از چند طایفه تشکیل می شود:

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: لشکر شیطان از تبار او پدید می آید که همان شیاطین هستند. (۴۵)

۲. لشکر شیطان: از پیروان او - اعم از فرزندان او و فرزندان آدم - تشکیل می شود. (۴۶)

۳. از معصیت کاران پیروان او - اعم از معصیت کاران جن و انس - شکل می گیرد. (۴۷)

۴. کسانی که شیطان، آنان را به بت پرستی فرا می خواند و آنان در این دعوت از او پیروی می کنند. (۴۸)

۵. عبارت اند از هم نشینان شیاطین، آنان که قرآن از ایشان به عنوان کسانی یاد می کند که از گمراهی دست بر نمی دارند، مگر آن گاه که موجبات ورود آنها را به آتش دوزخ فراهم آورند. (۴۹)

لشکریان مهم شیطان از دو گروه تشکیل می شود: یکی زنان - بی ایمان و هرزه - و دیگری غضب. در روایتی آمده:

«لیس لابلیس جند اشد من النساء و الغضب» (۵۰)،

«حضرت رسول و امام صادق علیه السلام هر دو فرمودند: آ»لشکری

سخت تر از از زن ها و غضب، برای شیطان نیست.» (۵۱)

اما زن ها، خود آن ملعون می گوید: زن های (بی ایمان) نصف لشکر من است، و آنها از برای من تیری هستند که به هر جا افکنم خطا

نمی‌رود. با این لشکر - زنان بی‌ایمان و فریبنده - شیطان به جنگ مردان با ایمان و باتقوا می‌رود که به قول خودش، آنها تیری هستند که خطا نمی‌روند.

روایاتی از زبان شیطان، درباره تعریف از زنان بی‌ایمان وارد شده که: قابل توجه است. ما به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم: در ملاقاتی که حضرت یحیی علیه‌السلام با ابلیس نمود، در ضمن سخنانی که آن حضرت با آنان ملعون داشت، می‌پرسد: ای ملعون! چه چیز بیشتر موجب خوش حالی و روشنی چشم تو می‌گردد؟ عرض کرد: زنان (بی‌ایمان) که ایشان تله‌ها و دام‌های من‌اند. وقتی لعنت و نفرین‌های صالحان بر من جمع می‌شود، نزد زن‌ها می‌روم و از ایشان دل خوش می‌گردم.

در حدیث دیگری آمده است: ابلیس به خدمت حضرت یحیی علیه‌السلام عرض کرد: ای یحیی! هیچ چیز مثل زنان کمر مرا محکم نمی‌کند و چشمم را روشن نمی‌گرداند. ایشان تله‌ها و دام‌های من‌اند و تیری هستند که به وسیله آنان خطا نخواهم کرد: پدر و مادرم به فدای ایشان باد.

سپس افزود: اگر آنان نبودند، من نمی‌توانستم پست‌ترین و بی‌عرضه‌ترین مردان را گمراه کنم! چشم من به ایشان روشن است، به واسطه ایشان به مرادم می‌رسم، به سبب آنها مردم دنیا را به پرتگاه می‌برم. مهم‌ترین وسیله‌ای که شیطان جهت اغوای آدمیان به کار می‌برد، در درجه اول زنان - بی‌دین و شرور - و پس از آن پول است. از این جهت گفته شده: زنان (بی‌تقوا) زاده شیطان‌اند. (۵۲)

لذا حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به مردم دنیا اخطار می‌کنند و می‌فرماید: از دنیا بترسید و از زنان پرهیزید، زیرا شیطان مانند دیده‌بان لشکر در کمین است و هیچ یک از دام‌های او برای شکار مردان پرهیز کار مانند زنان، مورد اطمینان نیست. (۵۳) او کوشش می‌کند که حتی پیامبران الهی را به وسیله زنان به دست آورد و نابود کند.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خدا هیچ پیغمبری از گذشتگان را مبعوث نگردانید مگر آن که شیطان، امید داشت که او

رابه دام زنان اندازد و هلاکشان سازد. و فرمود: من آن قدر که از زنان می ترسم از هیچ چیز هراس ندارم.
و نیز فرمود: ای مردم! از زنان بپرهیزید. اول فتنه در بنی اسرائیل به واسطه زنان بود.
مثل فتنه زلیخا برای یوسف علیه السلام.

عزیزان را کند کید زنان خوار

به کید زن مبادا کس گرفتار

این رانده شده از دستگاه خدا در تعریف زن ها می گوید: زنان محرم اسرار من و در حاجات و مشکلات دنیا فرستاده من اند. آن بد عاقبت، بیشتر فتنه و گناه را به وسیله زنان انجام می دهد، مردان را به وسیله زنان در دام خود می گیرد.
شیطان در یکی از دیدارهایی که با حضرت موسی علیه السلام داشت و به آن حضرت پند می داد، عرض کرد: ای موسی! هیچ وقت با زنی که بر تو حلال نیست در جای خلوتی قرار نگیر، زیرا هر مردی که با زن بیگانه در خلوت باشد، من نفر سوم آنها خواهم شد - آن قدر وسوسه می کنم آتا آنها را به فتنه اندازم. (۵۴)

تفو بر تو ای گردش روزگار

سیه مرا ترا باد، لیل و نهار

ترا مهربانی همه بازان است

اگر سوی بازار اگر بر زن است

به مردن نداری سر یاوری

همیشه به ایشان کنی داوری

چو خوش گفت: فردوسی پاک زاد

که رحمت بر آن تربت پاک باد

زن واژدها هر دو، در خاک به

جهان پاک از این هر دو ناپاک به

اگر نیک بودی زن و رای زن

زنان را مزین نام بودی نه زن

زن از پهلوی چپ شده آفرید

کسی از چپ، راستی هرگز ندید

دلارام باشد زن نیک خواه

ولیکن زن بد خدایا پناه (۵۵)

ابزار شیطان

برای گمراه کردن هر کس وسیله مخصوصی لازم است که بتوان با آن، طرف را منحرف کرد. با یک وسیله نمی‌شود همه افراد را فریب داد. شیطان، بعد از آن که با خدا صحبت کرد و حاجات خود را گرفت، به عزت و بزرگی خدا قسم خورد که من همه بندگان تو را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان خاص را. (۵۶) لیکن بدون اسباب نمی‌شود. وسیله کار می‌خواهم که بتوانم مردم را وسوسه کنم. خداوند خطاب نمود: ای شیطان! از جمله وسایلی که می‌توان مردم را منحرف نمود، طلا و نقره و پول دنیا است، با این وسیله کار خود را شروع کن.

گفت: ابلیس لعین دادار را

دام سختی خواهم این اشکار را (۵۷)

سیم و زر و گله و اسبش نمود

که بدین تانی (۵۸) خلائق را ربود.

شیطان عرض کرد: خدایا! به وسیله طلا و نقره، اهل بازار فریفته می‌شوند، و به وسیله گله‌های گوسفند و گاو و شتر صحرانشینان گول می‌خورند، به وسیله غذاهای لذیذ و چرب و شیرین، کسانی که بنده شکم‌اند منحرف می‌شوند و حتی شهادت به ناحق می‌دهند. با زیورآلات، زنان و جوانان را می‌توان فریب داد، لیکن دامی می‌خواهم که بهتر از این‌ها باشد.

گفت: یا رب بیش از این خواهم مدد

تا ببندم شان به حبل من مسد (۵۹)

چرب و شیرین و غذاهای سمین (۶۰)

دادش و صد جامه ابریشمین

که بگیر این دام دیگرای لعین

گفت: افزونم ده‌ای نعم المعین

ندا آمد: ساز و آواز، غنا و شطرنج و شراب و سایل دیگری برای تو هست که با آنها مردم را گمراه کنی. عرض کرد: این‌ها دام‌های خوبی است ولیکن موانع بسیاری دارد و خیلی از مردم زیر بار این‌ها نمی‌روند.

بنگ و خمر آورد در پیش نهاد

خنده‌ای زد از دل و شد نیمه شاد

خطاب شد: ای لعین! زنان (بی‌تقوا و بی‌ایمان) بزرگ‌ترین وسایل گمراه‌کننده‌ای، به وسیله آنان می‌توانی بزرگ‌ترین مردان را به انحراف بکشانی، شیطان گفت: راضی شدم و اگر هیچ دیگری در کار نباشد همین کافی است.

چون که خوبی زنان او را نمود

کوز عقل و صبر مردان می‌ربود

چون بدید آن چشم‌های پر خمار

چون بدید آن زلف‌های تاب‌دار

پس بزد انگشتک و رقص او فتاد

که همینم ده که این هم بدمراد (۶۱)

شمشیر شیطان

پس برنده‌ترین سلاح که شیطان می‌تواند به آسانی با کمک آن به آرزوهایش برسد، زن است و این سلاح، فراوان و همه جا یافت می‌شود. امیر المومنین علیه السلام می‌فرماید: فتنه و فساد از چند چیز

بلند می‌شود. یکی از آنها از دوستی بی‌حد به زنان و علاقه و محبت زیاد به‌ایشان است. و آن هم شمشیر برانی برای شیطان خواهد بود. کسی که علاقه و محبت بیش از حد به زنان داشته باشد، باید بداند که بهره‌ای از عیش و زندگی خود نمی‌برد. (۶۲)

پس شیطان با این حربه بران:

عزیزان را کند کید زنان خوار

به کید زن مبادا کس گرفتار

تاریخ نمونه‌هایی زیادی دارد که نشان می‌دهد انسانها به خاطر علاقه‌ی زیادی که به زن خود داشته‌اند سقوط نموده و دین و دنیای خود را از دست داده‌اند، زیرا وقتی که انسان دل بستگی زیادی به زن خود داشته‌باشد عیب‌هایش را نمی‌بیند، در نتیجه همسرش نیز از او سوء استفاده می‌کند. در این جا نمونه‌هایی از این افراد را می‌آوریم که در پی آن جنایات و کشتارهایی هم رخ داده است.

از محبت و علاقه به زن بود که حضرت آدم علیه‌السلام از بهشت بیرون شد، هنگامی که شیطان از آدم، ناامید گشت سراغ حوا رفت و وی را فریفت. (۶۳)

از علاقه و محبت به زن بود که قابیل کینه برادر را به دل گرفت و سرانجام او را کشت. در بعضی از روایات آمده: حوریه‌ای برای هابیل و زن جنیه‌ای برای قابیل آمد و همین باعث نزاع ایشان شد. (۶۴)

و باز از نااهلی زن بود که نوح پیغمبر همواره ناسزا و زخم زبان‌های مردم را باید تحمل می‌کرد. (۶۵)

از رفتارهای زن بود که خانه لوط نبی به خاطر یورش عده‌ای ناامن می‌شود و آن پیغمبر عظیم‌الشان و مظلوم مجبور می‌شود به آن مردم‌پست پیشنهاد دهد که به خانه و مهمانانش حمله نکنند و دخترانش را با اجرای عقد به آنان بسپارد. (۶۶)

و هم چنین از نیرنگهای زن بود که عزیز مصر «یوسف صدیق» راهفت سال در زندان نگاه داشت و از زندگانی اجتماعی محروم کرد. (۶۷)

از دل دادگی به زن بود که قدار بن سالف به در خواست آن زن ناباب،

شتر صالح پیغمبر را پی کرد که عذاب نازل شد و تمام قوم هلاک شدند. (۶۸)

از علاقه به زن بود که بلعم با عورا به دستور عجوزه خود به کوه رفته و حضرت موسی علیه السلام پیامبر بزرگ الهی را نفرین می کند که هم موسی و هم قومش چهل سال در بیابان در میان سرما و گرما حیران می شوند و هم عبادات و اعمال صالحش از بین می رود. تا جایی که قرآن او را تشبیه به سگ نموده است. (۶۹)

از محبت و علاقه به زن بود که باید سر یحیای پیغمبر از بدن جدا شود و مهریه عروس گردد و برای خون به ناحق ریخته آن حضرت هفتاد هزار نفر از مردم آن زمان به دست «بخت النصر» قتل عام می شوند و آن هم خون ریخته شود. (۷۰)

نیز از وسوسه زن بود که جگر حمزه به دستور «هند» جنایت کار و زناپیشه از پهلویش بیرون آورده شود و بدنش مثله گردد. (۷۱)

و به واسطه زن بود که در خیبر به پیامبر اسلام (ص) زهرا خوانده می شود و آن زن ناپاک یهودی از روی هوی و هوس یا به دستور عده ای حضرت را مسموم می کند. (۷۲)

و با پادر میانی زن بود که عبدالرحمن بن ملجم مرادی به دستور قطام، آن زن بد سیرت، دست به قتل بزرگ مرد تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام زد و آن جنایت بزرگ را مرتکب شد، و امت پیغمبر رابی امام و رهبر نمود. (۷۳)

از خودخواهی های زن بود که جنگ های خونینی در تاریخ بشریت واقع شد و خونهای زیادی از بی گناهان، روی زمین ریخته شد، مانند جنگ جمل که حدود سی هزار نفر از امت اسلامی قتل عام شدند و به دنبال آن جنگ صفین و نهروان پیش آمد و عایشه تعزیه گردان آن و آغاز گرش بود.

از ناپاکی های زن بود که فرزند بزرگ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به شهادت رسید، و معاویه مخفیانه زهر هلاهل با مقداری پول برای زن امام حسن علیه السلام «جعه» ملعونه، دختر اشعث بن قیس، می فرستد که آن ناپاک زهرا را به فرزند فاطمه داد و جگر آن

حضرت راپاره پاره کرد. (۷۴)

از خود محورهای زن بود که بدن امام حسن مجتبی علیه السلام
تیرباران شد و مروان حکم ملعون و مطرود هم، عایشه را خبر می کند و
او هم دستور می دهد بدن امام را آماج تیر قرار دهند. (۷۵)

از نامبارکی زن بود که باید به امام محمد تقی (ع) در سن ۲۵ سالگی
زهرخورانده شود و ام الفضل دختر مأمون عباسی و همسر آن حضرت
به دستور عموی خود گرداننده آن می شود و امام را مسموم نماید.
و هزاران جنایت و قتل و کشتار که واقع شده و در همه آنها دست
خونین زن آشکارا یا پنهانی در آن دیده می شود که پرداختن به همه آنها
از حوصله این کتاب بیرون و تاریخ همه آنها را ضبط کرده است.
واقعا، شیطان شمشیر برانی دارد، و این ما هستیم که باید از آن
بپرهیزیم و دچارش نشویم.

هر فسادى را ببینی در جهان

او زشومی زنان می دان عیان

چند با آدم بلیس افسانه کرد

تا که حوا گفت، بخور آن دم بخورد

یوسف از مکر زلیخای جوان

ماند در زندان برای امتحان

نوح بر تابه چون بریان ساختی

واهله برتا به سنگ انداختی

لوط را بدهم چنین زن فاجره

خوانده باشی قصه آن کافره

اولین خون در جهان ظلم و داد

در کف قابیل بهر زن فتاد

رقص شیطان

از جاهایی که خوش آیند شیطان است، و بی اختیار می رقصد و کف می زند، هنگامی است که زن با شوهر خود نزاع کند و سر و صدا راه بیندازد.

در گوشه گوشه خانه ها شیطانی کمین کرده و مراقب اوضاع و احوال زن و شوهر است که چه وقت شوهر وارد خانه می شود. تا پیش زن بیاید و کارهای روزانه او را پیش چشمش زینت و بزرگ جلوه دهد و کارهای شوهر را کوچک و بی ارزش.

لذا وقتی شوهر، خسته از کار روزانه، به خانه باز می گردد، با وسوسه های شیطان و رفتارهای نادرست زن، در حالی که گرسنه و تشنه است، در برابر پر خاش های زن و ایرادهایش از کوره در می رود و بگومگوها گاهی به قهر کردن از هم می انجامد و گاهی هم به جدایی می کشد. این جا است که شیطان خرسند و دو مؤمن از زندگی سرخورده می شوند. او می رقصد و این دو به سوگ می نشینند.

کف زدن و رقصیدن شیاطین ادامه پیدا می کند تا وقتی که میان آنها صلح و صفا برقرار شود. در این هنگام شیطان عزادار می شود و می گوید: خدانور چشم آن کس را ببرد که نور چشم مرا برد.

در جای خود گفته شد: شیطان با هر کس که داخل خانه شود و به اهل خانه سلام نکند، همراه شیطان است. شیطانی که اسمش «داسم» است او را همراهی می کند و آن قدر وسوسه می کند تا شر و فتنه ایجاد نماید و اهل خانه را به جان هم اندازد آن گاه رقص و پای کوبی می کند. (۷۶)